خبر

عدالت آموزشی در سراسر گلستان برقرار شود

استاندار گلستان گفت: در برخی از مناطق استان بی مهری‌هایی صورت گرفته و باید مناطق محروم را هم مانند مرکز استان دید تا عدالت آموزشی در سراسر گلستان برقرار شود.

به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در سی و چهارمین یادواره بزرگداشت مقام معلم که در کانون طه برگزار شد، اظهار کرد: ارج نهادن به مقامی که جایگاه انبیا را دارد، بر همگان واجب است. وی افزود: معلمان، در آینده دانش آموزان و بالطبع در توسعه شهرها و اداره کشور نقش آفرینی می‌کنند. هاشمی با بیان این که دولت مردان دانش آموزان گذشته بوده اند، ادامه داد: حضرت امام (ره) و بعد از ایشان رهبر معظم انقلاب معلمان بزرگی برای جامعه هستند.

استاندار گلستان با اشاره به این که معلمی فعالیتی مهم و سخت در کشور است، گفت: یکی از وزارتخانه‌هایی که مسئولیت سنگین دارد، آموزش و پرورش است.وی تصریح کرد: نقصها و نارسایی‌هایی داشتیم ولی معلمان اطمینان خاطر داشته باشند که جمع زیادی پیگیر مشکلات آنها هستند.هاشمی خطاب به مدیر کل آموزش و پرورش و مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس گلستان گفت: تغییر و تحولات همراه با انتظارات است و کار شما نسبت به مدیران قبلی سخت است.استاندار گلستان افزود: با یک انرژی وارد سیستم شده‌اید و باید راهکارهایی ارائه دهید که انگیزه معلمان را به هر روشی بالا ببرید.

وی اظهار کرد: در برخی از مناطق استان بی مهری‌هایی صورت گرفته و باید مناطق محروم را هم مانند مرکز استان دید هرچند که شرایط مرکز است هم ایده آل نیست.هاشمی بیان کرد: باید به ظرفیت‌هایی خارج از دولت مانند خیران، بنیادبرکت، بنیادمستضعفان، صنعتگران و تجار و غیره توجه کرد و از آنها مدد گرفت.

استاندار گلستان با بیان این که عدالت واقعی آموزشی باید در جای جای استان اتفاق بیفتد، افزود: در زمینه نوسازی مدارس یکی از خوب‌های کشور بودیم و باید طوری حرکت کنیم که بهتر از این شویم.وی به ظرفیت خیران اشاره و اظهار کرد: ستادهای خوبی در گرگان فعال شده و باید در ۱۴ شهرستان ادامه یابد و از ظرفیت فرمانداران و شهرداران باید بهره گرفت.هاشمی گفت: باید خیران بزرگ کشور را به استان دعوت کرده و از تجربه آن‌ها استفاده کنیم.وی به آسیب‌های اجتماعی از جمله مواد مخدر، طلاق و شرارت‌ها اشاره و خاطرنشان کرد: مردم ما سابقه خوبی در زمینه کمک به حوزه سلامتی و ورزشی و آموزش دارند که این موارد از آسیب‌ها جلوگیری می‌کند.هاشمی گفت: استان گلستان ظرفیت این را دارد که رقم ۹ میلیارد تومان کمک خیران دو برابر شود.

استاندار گلستان تصریح کرد: برخی از مدارس ما در نقاط خوب شهر موقعیت اقتصادی و تجاری خوبی پیدا کرده و ضرورتی ندارد که مدرسه باشد می توان با هزینه آن چند مدرسه ساخت.هاشمی در پایان گفت: بنده به عنوان رئیس کمیسیون ماده پنج در زمینه تغییر کاربری و تراکم به شما کمک خواهم کرد.

مشکلات معلمان پایان ندارد

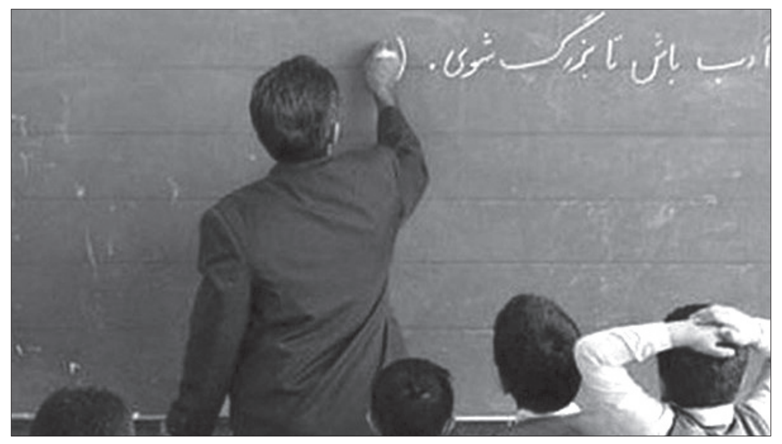
ادب باش تا بزرگ شوی.

قصه پرغصه مطالبات معلمان در کشور پایانی ندارد و این امر لزوم اصلاح ساختار اقتصادی در وزارت آموزش و پرورش را نشان می‌دهد. به گزارش مهر، خبرگزاری مهر، به مناسبت روز و هفته معلم به جمع آن ها رفتیم و پای درد و دل هایشان نشستیم؛ آن ها حتی در هفته‌ای که به نامشان نامگذاری شده از معوقات و پاداشی که پرداخت نشده می‌گویند و این بسیار غم‌انگیز است.

پاداش سایر مشاغل سر موقع پرداخت می شود

وقتی پای صحبت‌هایشان می‌نشینی درد دل منقلب کننده دارند، یکی بازنشسته و بدون گرفتن پاداش، دیگری پرداخت نشدن حق‌التدریس و آن دیگر هم مربی پیش دبستانی و دو سال بدون حقوق. یکی می‌گفت: باجناقم بعد از من بازنشسته شده و پاداشش را گرفته است، تفاوت پاداش وی با من هم زمین تا آسمان است، مگر نه این است که من و او در یک کشور درس خواندیم و خدمت کردیم، چگونه چنین چیزی قابل توجیه است؟ آیا این عادلانه است؟

این معلم بازنشسته که نمی‌خواست نامش درج شود، در حالی که سری به علامت تأسف تکان می‌داد، بیان کرد: چرا همه مشاغل پاداش خود را آرام و بی‌دردسر می‌گیرند اما ما هر شب باید منتظر خبری از رسانه‌ها باشیم که فلان مدیر اعلام کند، معوقات معلمان پرداخت می‌شود.

با وجودی که در بودجه سال ۹۶ توجه خاصی به بحث اعتبارات آموزش و پرورش شد، اما معوقات معلمان همچنان ادامه داد و به سال ۹۷ رسیده است.

آسایش و آرامش معلم به خطر نیفتد

س. م یک مربی پیش دبستانی است که در شهر گرگان تدریس می‌کند، وی که فکر می‌کرد با گفتن نامش موقعیت شغلی‌اش به خطر می‌افتد، اظهار کرد: معلمان یکی از اقشاری هستند که باید فارغ از هرگونه استرس بوده و از لحاظ فکری آسایش و آرامش داشته باشند. وی افزود: سه سال است که به عنوان مربی پیش دبستانی جذب آموزش و پرورش شده‌ام و هر سال حقوقمان به سال بعد منتقل می‌شود. وی گفت: امسال هم که هنوز در بلاتکلیفی به سر می بریم و پولی پرداخت نشده است.

نابرابری در حقوق و مزایا

حسین رحیمی یک معلم بازنشسته است، وی وجود نابرابری در حقوق و مزایا و کم‌توجهی به منزلت اجتماعی را بزرگ‌ترین مشکل قشر فرهنگیان می‌داند. وی گفت: در طول سال‌های خدمت مشکلات زیادی در پرداخت حقوق خود و همکارانم شاهد بودم که حتی در مواقعی توان این نمانده بود که به بیان دغدغه‌های خود بپردازیم. این معلم بازنشسته تصریح کرد: ما حتی برای یک فنجان چایی در زنگ تفریح هم پول پرداخت می‌کنیم.وی افزود: کدام شغل باید پرداخت حقوق و مطالباتش را در تلویزیون دنبال کند؟ چرا برای پرداخت حقوق مشاغل دیگر مشکلی وجود ندارد و همه دستگاه‌ها به راحتی حقوق کارکنان خود را می پردازند اما پرداخت حق‌الزحمه ما را در بوق و کرنا می‌کنند؟

این معلم بازنشسته که گرد سال‌های تدریس و سر و کله زدن با بچه‌ها بر موها و محاسنش نشسته بود، بیان کرد: آن‌قدر برای دریافت پاداش خون دل می‌خوریم که همان پول را باید خرج دوا و درمان کنیم. وی تأکید کرد: اگر آرامش روحی یک معلم به هم بخورد، قشر گسترده‌ای از مردم جامعه متضرر خواهند شد بنابراین مسئولان باید در تأمین نیازهای معلمان جدی‌تر رفتار کنند.

شغل دوم برای تامین هزینه های زندگی

جواد سلمانی پور که تقریباً نیمی از سنوات خدمتش را پشت سر گذاشته، با بیان این‌که سه فرزند دارد، گفت: حقوق یک معلم کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد بنابراین اکثر معلم‌ها در کنار آن به شغل دیگری مشغول هستند. سلمانی پور اضافه کرد: من بعد از تعطیل شدن از مدرسه مسافرکشی می‌کنم و همکاران دیگر هم در بنگاه ماشین یا به مشاغل دیگر مشغول هستند. وی ادامه داد: این امر سبب ایجاد خستگی در معلم شده و کارایی وی را پایین می‌آورد. هزینه‌ها بالا و حقوق معلم اندک و تناسبی با وضعیت تورم ندارد و هنگام بازنشستگی هم که حقوق کمتر از این می‌شود، گذران زندگی سخت‌تر می‌شود. سلمانی پور گفت: در آستانه هفته معلم قول‌های زیادی داده می‌شود اما تا عملیاتی شود خستگی کار بر تن معلم باقی می‌ماند.وی افزود: من حق‌الزحمه تصحیح اوراق سال ۹۵ و ۹۶ را دریافت نکرده‌ام، این هزینه آن‌قدر کم است که من اگر مجبور نبودم این کار را انجام نمی‌دادم اما اکنون چه فایده که پولی پرداخت نشده است.

زمان پرداخت مشخص نیست

به سراغ، قربان عرب احمدی، معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش گلستان رفتیم تا از وی در مورد کم و کیف مطالبات و پرداخت آن‌ها بپرسیم، وی اظهار کرد: آموزش و پرورش یک نهاد حاکمیتی است و از سیستم متمرکز اداره می‌شود. عرب احمدی ادامه داد: اعتبار این نهاد از در اختیار گذاشتن پول توسط سازمان مدیریت و خزانه کشور است که اگر پولی بابت مطالبات تخصیص یابد بین استان‌ها تقسیم می‌شود.وی گفت: آقای اللهیار ترکمن، معاون پشتیبانی آموزش و پرورش در مراسم معارفه مدیر کل آموزش و پرورش گلستان گفته بود که در هفته معلم مطالبات فرهنگیان از جمله پاداش بازنشستگان پرداخت می‌شود که بنده با تماسی که با سازمان گرفتم به من اعلام شد که تاکنون چیزی واریز نشده است.

پاداش بازنشستگان سال ۹۶ پرداخت نشده است

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش گلستان، تصریح کرد: از مطالبات معلمان، بخشی از حق‌الزحمه امتحانات سال ۹۵، کل سال ۹۶، پاداش بازنشستگان سال ۹۶ و ذخیره مرخصی باقی مانده است.

وی با بیان این‌که مشخص نیست سازمان چه مقدار اعتبار به ما پرداخت می‌کند تا ما به فرهنگیان قول دهیم، افزود: آقای نوبخت در سخنان خود گفت که تنخواهی در اختیار آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا حق‌الزحمه امتحانات و خرید خدمات آموزشی پرداخت شود. ولی وی زمان پرداخت را مشخص نکرد. عرب احمدی در خصوص حق‌الزحمه امتحانات تصریح کرد: بخشی از خرداد سال ۹۵ پرداخت شده ولی تسویه نشده و شهریور و آذر ۹۵ و کل سال ۹۶ باقی مانده است.وی بیان کرد: حق‌التدریس نیروهای شاغل تا مهر ۹۶ پرداخت شده و از آبان به بعد باقی مانده است.

انتقال مطالبات به سال ۹۷

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش گلستان تصریح کرد: در چند سال اخیر بیش از اعتبار مصوب، پول دریافت کردیم ولی با این وجود نتوانستیم مطالبات معلمان خود را پرداخت کنیم بنابراین مطالبات به سال ۹۷ منتقل شد. وی با بیان این‌که اوضاع همیشه بدین گونه است، اظهار کرد: برای این‌که این اتفاق نیفتد باید در لایحه و قانون بودجه ردیف‌های اعتباری پایدار برای آموزش و پرورش پیش‌بینی کنند تا با کسری مواجه نشویم. عرب احمدی گفت: علیرغم این‌که در سال‌های ۹۴، ۹۵ و ۹۶ بیشتر از مصوبه اعتبار جذب کردیم، چندین سال است که پول لباس خدمتگزاران و پول مهدکودک فرزندان فرهنگیان پرداخت نشده است.

وی تأکید کرد: پیش‌بینی‌ها از اول درست نیست که مطالبات همکاران فرهنگی ما به سال بعد منتقل می‌شود باید در جایی معوقات را صفر و از اول شروع کرد. دولت باید دستگاه‌های مختلف را با یک چشم دید و حتی به قشر فرهنگی بیشتر توجه کرد زیرا معلمان جامعه، انسان‌سازان نسل بعدی هستند و فراهم آوردن آسودگی خاطر آن‌ها از ضروریات است.

خبر

مراکز درمانی گلستان با کمبود ۱۰۰ ماما مواجه است

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان با بیان اینکه اکنون ۳۴۰ ماما در مراکز درمانی مشغول فعالیت هستند، گفت: در حال حاضر مراکز درمانی گلستان با کمبود ۱۰۰ ماما مواجه است. به گزارش مهر، عباس بدخشان در حاشیه برگزاری مراسم تجلیل از ماماهای نمونه استان از فعالیت ۷۰۰ ماما شاغل در استان خبر داد و اظهار کرد: در حال حاضر ۳۴۰ ماما در مراکز درمانی به مردم استان خدمات لازم را ارائه می‌دهند.

وی افزود: با توجه به این تعداد نیرو، مراکز درمانی استان نیازمند به حضور ۱۰۰ ماما دیگر است که باید جذب شوند. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: طی سال‌های گذشته در نقاط مختلف استان توانستیم میزان مرگ‌ومیر مادران باردار را کاهش دهیم. وی افزود: در سال ۹۶ تعداد ۴۲ هزار زایمان در استان انجام شد که از این تعداد ۱۱ مورد مرگ مادر باردار را داشتیم.

برخی از آنان دچار بیماری اعصاب روان و یا با مشکل قلب و عروق مواجه بودند که منجر به فوت آن‌ها شد. بدخشان با بیان اینکه تمام مادران در دوران بارداری نیازمند به مراقبت‌های ماما هستند، اظهار کرد: هیچ مادر بارداری نباید خود را بی‌نیاز از خدمات مراقبتی ماما بداند چرا که ماماها فقط درمان گر نیستند بلکه پایش گر هم هستند. وی خاطرنشان کرد: طی ارزیابی هایی که توسط وزارتخانه در بیمارستان‌ها انجام می‌شود، گلستان در بخش مامایی هرساله از امتیاز خوبی برخوردار است اما هیچ‌گاه به این میزان بسنده نمی‌کنیم و برنامه‌های بازآموزی جهت توانمند کردن ماماهای استان را در دستور کار خود قرار داده‌ایم.گفتنی است در این مراسم از ۷۰ مامای نمونه استان گلستان تقدیر و تشکر شد.

بودجه استان ها امسال بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت

معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور از افزایش بودجه ۳۰ تا ۳۰۰ درصدی بودجه استان ها خبر داد و گفت: حداقل افزایش اعتبار استان ها در بودجه امسال ۳۰ درصد بود.به گزارش مهر، سعید نمکی اظهار کرد: در بودجه ۹۷ نگاه متفاوت از سال های قبل بود و تلاش کردیم بودجه را از وضع متمرکز در مرکز به سمت استان ها هدایت کنیم. وی با بیان این که بودجه استان ها امسال بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت و حداقل افزایش ۳۰ درصد بود، افزود: اختصاص بودجه امسال مبتنی بر عملکرد است و در این راستا بعضی از دستگاه ها لاغرتر و برخی قوی تر شدند.معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور با اشاره به این که این شیوه بودجه ریزی با مخالفت ها و اعتراضاتی همراه بود اما نمایندگان مردم در مجلس حمایت کردند تا این شیوه اجرایی شود، ادامه داد: در مورد نهادهای حمایتی هم رویکرد را به سمت توانمندسازی بردیم و به جای گداپروری، توانمندسازی را تقویت کردیم.وی از افزایش ۲۸ درصدی بودجه پژوهشی خبر داد و اضافه کرد: بودجه پارک های فناوری ۵۰ درصد، آموزش ۲۰ درصد و زیربنایی در استان ها بین ۲۰ تا ۲۵ درصد در بودجه امسال افزایش یافت.نمکی خواستار تدوین یک الگوی توسعه ای در هر استان با راهبری استانداران شد و تصریح کرد: شاخص های استان ها باید بر اساس سیاست های دولت و مجلس در واگذاری خدمات به بخش خصوصی تغییر کند و استانداران در این بازنگری پیش قدم شوند.وی با تاکید بر تشکیل تیمی برای مشخص کردن شاخص ها و کاستی های هر استان، خاطرنشان کرد: تخصیص بودجه۹۸ در سطح کشور و استان ها با توزیع مناسب و عادلانه بودجه بر اساس عملکرد دستگاهی توجه ویژه‌ای خواهیم داشت.

تله کابین گرگان نیاز به مطالعات دقیق تری دارد

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان با تأکید براین‌که اجرای تله‌کابین در گرگان نیاز به مطالعات دقیق‌تر دارد، گفت: دستگاه‌ها همکاری کنند و مسیر مشخص شود، استانداری حمایت می‌کند. میرمحمد غراوی در گفتگو با مهر اظهار کرد: برای توسعه گردشگری نیاز به اجرای تله کابین داریم اما این که تله کابین گرگان در هزارپیچ یا ناهارخوران اجرایی شود نیاز به مطالعات دقیق تر دارد.وی با تاکید بر این که باید محور اجرای تله کابین مشخص شود و این موضوع را به شهرداری گرگان سپرده ایم تا با همکاری میراث و منابع طبیعی زودتر به نتیجه برسند، بیان کرد: اگر مسیر تله کابین مشخص شود، ما هم حمایت می کنیم.معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان با بیان این که تا مطالعات دقیق انجام نشود نمی توانیم راجع به آن اظهار نظر کنیم، افزود: از لحاظ تخصصی، طول مسیر و تعداد کابین های تله کابین بر اساس طراحی اصلی (مبنای مبدأ و مقصد) انجام می شود و هم اکنون اظهار نظر راجع به مشخصات فنی تله کابین گرگان زود است.وی یادآور شد: ما به عنوان متولی طرح باید نقشه تله کابین را تهیه کنیم و در اختیار سایر دستگاه های اجرایی و یا بخش خصوصی که طالب سرمایه گذاری هستند، قرار دهیم.غراوی با بیان این که شهرداری گرگان متولی تهیه طرح تله کابین شده و باید با همکاری میراث فرهنگی، منابع طبیعی و محیط زیست محور را مشخص کند، تصریح کرد: نمی توانیم برای اجرای تله کابین زمان مشخص کنیم چراکه اجرای این پروژه نیاز به ارزیابی زیست محیطی دارد و این موضوع زمان بَر است.وی خاطرنشان کرد: تا زمانی که مطالعات دقیق تله کابین گرگان انجام نشود قول انجام آن را نمی دهیم چراکه باید تمام جوانب آن درنظر گرفته شود و سپس برای اجرای آن زمان مشخص کنیم.

مراسم نکوداشت چهارمین سالگرد استاد لطفی در گرگان برگزار شد

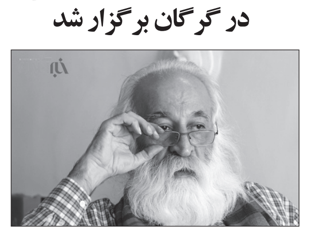

مراسم نکوداشت چهارمین سالگرد کوچ قلندر موسیقی ایران زمین، استاد محمدرضا لطفی با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ و هنرکشور در گرگان برگزار شد.

به گزارش مهر، مراسم نکوداشت چهارمین سالگرد فوت قلندر موسیقی ایران زمین، استاد محمدرضا لطفی شامگاه جمعه با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ و هنر کشور و دوستداران این هنرمند فقید در گرگان برگزار شد.مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در این مراسم اظهار کرد: نکوداشت بزرگان هنری همچون استاد لطفی گامی در راستای پیشگیری از جریان سرمایه های سوزی در کشوری است.وی افزود: اینگونه پاسداشت ها سبب می شود پدیده شوم انقطاع بین نسلی از بین برود و موجب اقتدار فرهنگی مملکت فراهم شود، همچنین اقتدار بنیان فرهنگی می تواند زمینه ساز اقتدارسیاسی کشور شود.حسین ضمیری، فعال اجتماعی و به عنوان نماینده خانواده استاد لطفی در این مراسم اظهار کرد: باغمزار استاد لطفی جزو بوستان های شهری است و قرار براین شده تا پایان سال جاری با بودجه ای بین ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلیون تومان ساماندهی شود.وی افزود: دوسالانه جشنواره تار به نام استاد جلیل شهناز در اصفهان برگزار می شود و قرار است دو سالانه جشنواره آهنگسازی ایران و موسیقی سنتی با نام استاد لطفی در گرگان برگزار شود و به کشف استعدادهای موسیقی می پردازد.اردشیرکامکار، یکی از موسیقیدانان برجسته کشور هم در این مراسم اظهار کرد: زمانی که با استاد لطفی آشنا شدم هیچگاه فکر نمی کردم زمانی برسد که در سالروز فوتش سخنرانی کنم و هنوز هم مرگ استاد را باور نمی کنم.وی افزود: استاد لطفی در زمینه های مختلفی از جمله ایجاد گروه های موسیقی، نوازندگی، آهنگ سازی و تحقیق و آموزش فعالیت های زیادی در عرصه موسیقی داشتند.کامکار ادامه داد: استاد لطفی در زمینه آهنگ سازی کارهای زیادی انجام داد و صلابت مضراب و جمله بندی در تار را آنقدر خوب اجرا می کردند که همان مضراب اول شنونده را میخکوب می کرد و یکی از افرادی که باعث شد عاشقانه تر به موسیقی نگاه کنم استاد لطفی است.در انتهای مراسم محمد ایرانفر شاعر پیشکسوت به اجرای شعری در مدح استاد لطفی پرداخت و اردشیر کامکار به همراه ماهور لطفی به اجرای موسیقی پرداختند.

آگهی
مزایده محلی

شرکت کشت و صنعت شهید مطهری در نظر دارد

کاه و کلش و ته چر محصولات پاییزه شامل: گندم و جو در سطح استان گلستان را از طریق برگزاری مزایده روز پنج شنبه مورخه ۹۷/۳/۳ راس ساعت ۱۰ صبح به فروش برساند متقاضیان می توانند جهت کسب آگاهی بیشتر همه روزه با دفتر شرکت واقع در خان ببین تلفن ۰۱۷۳۵۸۹-۸۲۰۱-۳ تماس حاصل نمایند.

اقامت در هتل‌های گلستان ۶۰ درصد افزایش یافت

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از افزایش ۶۰ درصدی اقامت در هتل های گلستان در نوروز ۹۷ نسبت به سال گذشته خبر داد. به گزارش مهر، ابراهیم کریمی در جلسه شورای اداری استان اظهار کرد: با برگزاری جلسات و با تاکید بر این که گلستان باید به مقصد گردشگری تبدیل شود برنامه ریزی خوبی را در این حوزه شاهد بودیم.وی با اشاره به این که در ایام نوروز یک میلیون و ۶۷۰ نفر در هتل های استان اقامت داشته اند، گفت: امسال رشد ۶۰ درصدی اقامت و بیش از ۸۰ درصدی بازدید از جاذبه های استان نسبت به نوروز ۹۶ را شاهد بودیم.مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان با یادآوری این که امسال گلستان از سوی میراث فرهنگی کشور به عنوان یکی از استان های برتر کشور در حوزه بازدید از مناطق تفرجی معرفی شد،افزود: گرگان، گالیکش و علی آباد به ترتیب در ایام نوروز ۹۷ بیشترین میزان اقامت در هتل ها و علی آباد، بندرترکمن و گالیکش به ترتیب بیشترین میزان بازدید از جاذبه ها را به خود اختصاص دادند.وی با اشاره به این که ۱۲ کمیته برای ارائه خدمات بهتر به مسافران و گردشگران در گلستان فعال شده بود، ادامه داد: در ایام نوروز حتی یک مورد ثبت شکایت نداشتیم.کریمی با یادآوری این که هنوز مشکلات محیط زیستی دو پروژه گردشگری استان حل نشده، اضافه کرد: پروژه آشوراده به نتایج خوبی رسیده اما باید در کمیته طبیعت گردی دوباره مصوب شود.

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۹۶۰۰۹۱۸

بدینوسیله به شرکت سبز کاغذ گلستان (وام گیرنده) به شماره ثبت ۴۲۸۰ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۲۹۷۴۴ با مدیریت آقای حمیدرضا درمانی مطلق و آقای علیرضا درمانی مطلق فرزند حشمت اله به شماره شناسنامه ۸۰۸ و شماره ملی ۲۱۲۱۴۳۴۳۵۶ و خانم مژگان درمانی مطلق فرزند حشمت اله به شماره شناسنامه ۲۷۲ و شماره ملی ۲۱۲۱۴۱۴۴۵۲ و آقای محمدرضا درمانی مطلق فرزند حشمت اله به شماره شناسنامه ۸۶۵ و شماره ملی ۲۱۲۱۴۵۴۵۰۰ و خانم رباب پورشکری نامور فرزند عبدالله به شماره شناسنامه ۶۵۲ و شماره ملی ۱۳۷۶۹۴۱۷۳۲ و آقای حمیدرضا درمانی مطلق فرزند حشمت اله به شماره شناسنامه ۲۷۷۷۰ و شماره ملی ۲۱۲۰۲۷۷۴۱۹ همگی ورثه آقای حشمت اله درمانی مطلق فرزند عزت اله به شماره شناسنامه ۳۳۱ و شماره ملی ۲۰۹۱۶۸۱۳۳۴ (راهن) همگی به نشانی: گرگان- خ شهید بهشتی جنب پل پلاک ۳۱۸ طبقه دو نمایندگی mvm به کد پستی ۴۹۱۶۶۳۶۶۶۳ بدهکار پرونده کلاسه ۹۶۰۰۹۱۸ که برابر گزارش مامور در آدرس شناخته نگردیده ابلاغ می گردد که برابر سند رهنی ۱۷۲۰۹ مورخ ۹۰/۱۱/۱۳ تنظیمی دفترخانه ۱۲۲ گرگان بین شما و بانک کشاورزی مبلغ ۱۰۰۸۴۰۷۶۵۵۱ ریال که از تاریخ ۹۶/۰۹/۲۵ روزانه مبلغ ۵۱۹۷۱۰۶ ریال به آن اضافه می گردد بدهکار می باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق دراین اجراء مطرح می باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار محل یا نزدیکترین به محل و درج و منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

م الف ۱۳۲۸- حسین اسماعیلی- معاون ثبت گرگان

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت (۹۹/۰۲) نود و نه متر مربع و دو دسیمتر مربع پلاک ۱۱۹۶۶ فرعی از ۳-اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبتی گرگان ملکی خانم سیده فاطمه حسینی اوزینه فرزند سید محمود در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۱۹ در محل وقوع ملک واقع در گرگان - کاشانی - مابین کاشانی ۱۱/۳ و ۱۱/۴ کد پستی ۴۹۱۵۷۹۶۵۱۴ به عمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدیدی اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده وعلاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بادادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. م الف ۱۳۲۹

آگهی مزایده اموال غیر منقول کلاسه ۹۶۰۰۲۱۴

ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت یکصدو هفتاد و سه متر و چهل و سه دسی متر مربع دارای پلاک شصت و سه فرعی از سه هزار و هفتصد و هشتاد و دو اصلی مفروز و مجزی شده از ده فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش یک ثبت گرگان که ذیل شماره ثبت ۴۲۴۳ جلد ۳۵ صفحه ۲۵۶ بنام خانم فرزانه آزاد حیدرآبادی ثبت و سند مالکیت صادر گردید که محدود به حدود شمالا بطول ده متر و هفتاد سانتی متر دیواریست به دیوار پلاک هشت فرعی از سه هزار و هفتصد و هشتاد و دو اصلی شرقا بطول سیزده متر و هشتاد و پنج سانتی متر دیواریست بکوچه بن بست پنج متری جنوبا اول بطول یک متر و هشتاد سانتی متر که بوضعیت جنوب شرقی است دوم بطول نه متر و پنج سانتی متر بکوچه غربا بطول هیجده متر و چهل و پنج سانتی متر دیواریست اشتراکی با پلاک ده فرعی از سه هزار و هفتصد و هشتاد و دو اصلی با حق عبور از کوچه پنج متری که نامبرده سند ملکی خود را با کلیه مستحدثات و متعلقات منصوبه در آن که فاقد بیمه می باشد جهت اخذ تسهیلات خانم ربابه اسمعیل نژاد طی سند رهنی شماره ۹۶۳۰ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۵ تنظیمی دفترخانه شماره ۵۴ گرگان در قبال مبلغ یک میلیارد و دویست و بیست میلیون ریال در رهن بانک مهر اقتصاد قرار گرفت که بعلت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه وتشکیل پرونده کلاسه ۹۶۰۰۲۱۴ گردید. با توجه به ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت و بنا به تقاضای بستانکار ملک مورد وثیقه در گرگان - میدان مازندران - ابوذر یکم - نبش کوچه شهید بیدر نامنی واقع که توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ یک میلیارد و چهار صدو پنجاه و نه میلیون و هشتصد هزار ریال ارزیابی که قطعی گردیده ملک مذکور یک باب منزل مسکونی با قدمتی بیش از سی سال با مشخصات یک طبقه هم کف سازه بنایی و نمای سیمانی و کابینت فلزی آشپزخانه و پوشش سقف حلبی و بصورت شیروانی و دارای هال پذیرایی و اتاق خواب و آشپزخانه و سرویس و انباری به مساحت تقریبی یکصدو سیزده متر مربع می باشد و چنانچه بابت حق انشعاب و یا حق اشتراک ومصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد بر عهده برنده مزایده است. لذا جلسه مزایده از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۷/۰۳/۰۷ درمحل اداره اجرای اسناد رسمی گرگان واقع در خیابان شهید رجایی - گلشن ۲۲ از مبلغ (بعدد) ۱۴۵۹۸۰۰۰۰۰ ریال (به حروف) یک میلیارد و چهارصدو پنجاه و نه میلیون و هشتصدهزار ریال شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی فروخته خواهد شد. طالبین می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از ملک مورد مزایده قبل از برگزاری مزایده بازدید بعمل آورند.

عظیمی پور- کفیل اداره اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا شهرستان گرگان- م الف ۱۳۳۸

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

یادداشت

حاشیه ای بر سری پست های علم از درون زبان بجای مراجعه ی به جهان

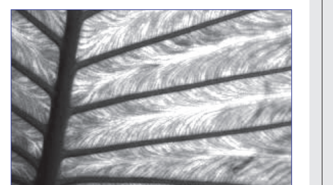

بهزاد بابایی- هر ایرانی متخصصی را بایسته است تا گوشه ای از ذهن خود را به ایران اختصاص داده و بخشی از انرژی ذهنی خود را معطوف به یافتن ایده هایی تازه برای برون رفت از این وضعیت علمی در کشور کند . بنده بشخصه شاید بتوانم ایران را جزوکشورهای شماره ی دو در جهان تصور کنم و چنین ترهاتی هم به کله ام فرو نمی رود که ما نمی توانیم و نمی خواهیم و یا سرچشمه ی فرزانگی است و غیرو . . بنده بر این باورم که چنین نیست که هر ان روشی که در حصول به معرفت بر می گزینم اگر علمی نباشد ؟ یا توهم است یا عرفان و جادوگری ؟! .. این باوری بشدت احمقانه است اگر بپنداریم یگانه روش ممکن برای تحصیل انچه که در جهان می گذرد فقط و فقط روش علم است و بس !! .چرا که بنده جهانی را در مقابل خود می بینم حی و حاضر که میگوید بیا و مرا درک کن و از این ادراک خود پله ای بساز و به بالا برو .. در این شرایط چون از دانش اموختگان اماتور پرسش شود که بر چه اساسی باورتان اینست که تنها روش موجود برای حصول به درکی تازه از جهان همان روشی است که علم انرا اتخاذ نموده است ؟ و پاسخ ایشان این باشد که به این علت که تنها روشی که تاکنون جواب داده همان روش علمی بوده و بس !!! و بعد هم نتیجه گیری کنند که بدین جهت از این پس هم فقط همین روش پاسخگو خواهد بود و لاغیر !! .. بلاهت خود را اشکار نموده و تاسف مرا بر خواهد انگیخت . پاسخ بدین یاوه فهمی اینست که : بله دوست من تاکنون روش علم البته جوابهایی را داده و علت اینبوده که بر مفاهیمی چون دقت و تمرکز و جزیی نگری و ازمون و خطا و تجربه اتکاء داشته و البته هیچکس هم به شیوه های بهتری نیندیشیده و نه انکه چنین باشد که چون تا به اکنون اینطور بوده پس تا ابدالاباد چنین خواهد بود !! . . . خیر چنین نیست و ما می توانیم روش هایی را برای حصول معرفت بر الگوریتمی بنام جهان ابداع کنیم که صدها سال عقب مانده گی علمی مان را از علم غربی در سه تا ده سال جبران کند . و چه باک اگر با توسل به جادوگری چنین شود . یعنی می توانیم به جای پوییدن ره از خار و خاره ؛ جاده ای ز بیراهه بکوبیم و بشکلی غیر منتظره از جلو کاروان علم غربی به در اییم . میگویند ما از لحاظ علم و تکنولوژی از غرب عقیم و بنده هم حرفی ندارم منتها انچه که مایلم بدین عبارت بیفزایم اینست که عقب ماندگی ما از غرب فقط در محدوده ای از ان قسم فناوری است که غرب کاشف ان بوده و نه ان قسمی که غرب بویی از ان نبرده است . . در واقع میخواهم بگویم که جهان فراخ است و بر و بحر بسیار دارد و بر همین اساس مسیرهای وصول به دانش نیز ابدا محدود به ان روشهایی نمی شود که دانشمندان غربی با مجاهدت های بینظیر خود بدان دست یازیده اند . یعنی هیچ دلیل منطقی و معقولی وجود ندارد که اینرا بپذیریم که یگانه روش حصول به علم و دانش فقط و فقط همان روشی است که غرب کشاف از ان بوده ! و بعد چنین استدلال کنیم که چون تابه اکنون احدی به روش های دیگری نیندیشیده است پس حتما روش دیگری وجود ندارد !! .. این موضعگیری غلط بوده و پرسش بنده اینست که ایا شماتاکنون به روشهای دیگری اندیشیده اید ؟ یا خیر ؟ و اگر پاسخ این باشد که خیر ! در اینصورت ادامه ی گفتگو را بی ثمر می دانم . چه ؛ انگاه خواهم گفت : (من به شیوه های دیگری اندیشیده و به درکی از هستی رسیده ام که باید انرا نصب العین کرده و بدان گوش سپارید.

انقلاب اخلاقی زرتشت و دامنه نفوذ آن در تفکر جهانی

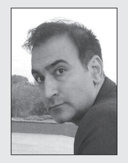

اسماعیل نوشاد- یاسپرس براین باور بود که تمدن فعلی دوره یا هزاره‌ای را سپری می کند که بنیان گذاران آن کسانی چون زرتشت، هومر، بودا و پیامبران بنی اسرائیلاند. این سخن تا حدودی درست است. اما به نظر می رسد یاسپرس عمق این رخداد را به درستی درک نکرده است؛ که اگر فهمیده بود این اشخاص را با این همه ناهمگونی در یک ردیف قرار نمی داد. هومر به دوران اسطوره ای تعلق دارد. دوره ای که خدایان نامیرا بنا به تقدیری که چرخ «سرنوشت» جاری می کرد، بر تمدن حکمرانی می کردند. این خدایان از هیچ سرمشق اخلاقی یا عادلانه‌ای پیروی نمی کردند و تنها سرنوشت بر اعمالشان کامروا بود. انسان میرا در میان این خدایان قدرتمند و نامیرا تنها بایستی که «بختیار» باشد. بختیار باشد که خدایان نذورات و قربانی های وی را بپذیرند و دلشان به‌رحم بیاید. خدایان مانند فرمانروایانی با قدرتی فرابشری بودند که بر حوزه خود به صورتی بلهوسانه حکم می راندند. یکی بر حوزه عشق؛ دیگری جنگ؛ دیگری اقتصاد و روزی؛ دیگری دانش و فن و...جهانی هومری تار و پودش بر میخ هایی بافته شده که این خدایان کوبیده اند. انسان ها در بهترین حالت می توانند حیله گرانی چون ادسئوس باشند که از میان این بلهوسان زورمند با مکر و نیرنگ و هنرشان به سلامت می گذرند و به هدفشان می رسند. اما در وهله نهایی این جهان تراژیک است و هوشمندترین انسان ها نیز بالاخره به دام این خدایان می افتند و گرفتار عاقبتی درناک می شوند. به همین دلیل ژانر ادبی غالب در این دوران تراژدی است. پس هومر نمی تواند هم عرض زرتشت باشد. نوشته های هومر مربوط به عصر برنز است؛ عصر پهلوانی و تراژدی.

بودا نیز نمی تواند هم عرض زرتشت باشد. بودا یکی از کسانی است که در مقابل جهان اسطوره ای می ایستد. اما روش بودا با زرتشت متفاوت است. روش او کنارهگیری از جهان است. او توصیه میکند در مقابل این جهان نیرنگ باز انسان باید از تمامی دام های سرنوشت بگذرد و سرانجام با عبور از «پرده پندار مایا»، از دنیا و زیبایی‌ها و تمنیاتش، کناره بگیرد. قطعا راه زرتشت این چنین نبوده است. زرتشت دنیا گریز نیست و به شدت تمدن و به‌ویژه کشاورزی را تبلیغ می کند. پیامبران بنی اسرائیل نیز به همین ترتیب. آنها در نهایت قانونگذاران و مبدعان سنتهای قومی یهود بوده اند؛ یک پدیده معمولی مانند سایر سنت گذاران قومی. واقع امر هم این است که یهودیت تنها باگسترش مسیحیت معنایی جهانی یافت.

تأثیر اخلاق زرتشتی بر سیاست

با روایتی که بیان کردیم، کار زرتشت در تاریخ تمدن یک کار تکینه است و افتخار ابداع دوره محوری که یاسپرس اعتقاد دارد هنوز در این دوران هستیم را، باید به او داد. زرتشت اولین فردی بود که به طریقی آری گویانه به تمدن و در جهت تثبیت عصر کشاورزی در مقابل خدایان آریایی یا دیوها ایستاد. زرتشت را می توان بنیان گذار عصر آهن دانست. کسی که پایان عصر برنز، عصری که هومر نماینده آن است را، اعلام کرد. او در مقابل جنگجویان و خدایانشان یعنی «کی»ها و «دیو»ها ایستاد و با ایده «نیک» بافتار فرهنگی و اقتصاد سیاسی آنها را به چالش کشید. خدایان دیگر به صرف نامیرا بودن و زورمند بودن، پرستیده نمی شدند؛ آنها در صورتی شایان پرستش هستند که بر مبنای قانون خیر یا «اشه» رفتار کنند. در غیر این صورت از لشکریان «اهریمن»اند. وظیفه انسان دیگر جنگاوری و نام آوری نیست، بلکه دستیاری خدایان نیک در جنگی هستی شناختی با خدایان بد می باشد. بدین ترتیب برای اولین بار اخلاق در بعدی انتولوژیک و در نحوه خاص بودن انسان- در-جهان، طرح ریزی شد. سیاست نیز به این ترتیب بُعدی الهیاتی یافت. جامعه فاضله سیاسی، جامعه ای هست که نظام آن هدایتگر این جهان و آن جهان انسان، برای رسیدن به خیر برین و جاودانه باشد. این روند بدون شکنیاز به «حکمت خالده» داشت. حکمتی که روال کار و در نهایت رسیدن به رستگاری را به انسان نیک می آموخت. حتی پدید آمدن ایده «آرمانشهر» چه در شرق و چه در غرب نزد کسانی چون افلاطون، ارتباط مستقیم با انقلاب زرتشتی داشت. چنین سیاستی کم و بیش پس از زرتشت هدایتگر اندیشه سیاسی در ایران بود و میتوان به مثابه یک پوستار ایدئولوژیک در دولتهای ایران باستان آن را پیگیری کرد؛ ولی در زمان اردشیر ساسانی بود که این سیاست الهیاتی در جهت تاسیس مدینه فاضله آشکار و به روشنی تبیین شد. در آن زمان این سیاست دو یافت داشت: نخست نیاز به انسجام و پیوستگی درونی در راستای ایجاد یک دولت متمرکز؛ روشن است که با خدایان متعدد و بلهوس در آسمان و شاهان کوچک و بزرگ بر روی زمین که هر کدام می خواهند در حوزه حکومتی خود فعال مایشاء باشند، ایدهی یک حکومت مرکزی قدرتمند و منسجم بر روی هواست. بنابراین فقه زرتشتی لازمه تمرکز درونی حکومت گردید. البته این ایده در دوران هخامنشی یا اشکانی نیز کمابیش دنبال می شد، ولی در زمان اردشیر بود که به صورت رسمی و منسجم تحقق یافت. این سیاست مبتنی بر الهیات، مسئولیت تشکیل مدینه فاضله را بر عهده گرفت که هدف از تشکیلش رستگاری این جهانی و آن جهانی شهروندان بود. کنستانتین امپراتور روم نیز به تبعیت از وی در سال ۳۱۳ میلادی مسیحیت را دین رسمی امپراتوری روم اعلام کرد. بعد از اسلام خلافت عباسی نیز به تبعیت از او در جهت استقرار یک دین رسمی و حکومتی تلاش کرد و صفویان شیعه نیز به همین ترتیب. بنابراین سیاست اردشیر را بر مبنای انقلاب زرتشتی، می توان یک سیاست جهانی قلمداد کرد. این رویه در ایران تا امروز نیز ادامه یافته است.

دلیل دوم مربوط به مباحث حقوقی و قانونی بود. قبل از ساسانیان بالاترین مقام قضاوت شاه بود. این وظیفه از طرف وی به سایر مقامات تفویض می شد. شاه می توانست مجرمی را بنا به میلش بیشتر از حد جرمش یا کمتر از حد آن مجازات کند. قانون خاصی موجود نبود؛ همه چیز به اراده شاه یا قاضی جواز یافته از طرف وی بستگی داشت. در این میان برخی از شاهان بودند که به اصطلاح عادل بودند. چنین شاهانی به دلیل قدرت زیادی که داشتند می توانستند یک سری قوانین را در سطح کشور به صورتی متمرکز به اجرا بگذارند. چنین پادشاهانی در نزد عامه محبوب و قدرتمند بودند؛ چرا که از ستم گردنکشان و شاهک های محلی با خشونت و اجبار جلوگیری می کردند. شاهانی که از دید مورخان خارجی به نظر ستمگر می آیند، اما از دید مردم ایران عادل محسوب می شوند! شاهانی مثل داریوش اول هخامنشی یا عباس اول در عصر صفوی چنین پادشاهانی بودند. به هر صورت این اشخاص استثنا بودند و اغلب اوقات این فرمانروایان محلی بودند که با ستم و خودخواهی هر چه تمام تر بر رعایا حکمرانی می کردند. کار اردشیر در جهت تقریر فقاهت زرتشتی بر مبنای اوستا و زند و فتاوی روحانیان زرتشتیدست این گردنکشان محلی را کوتاه کرد. پس از این جهت در زمان خود یک پیشرفت محسوب می شد. فراموش نکنیم که یکی از دلایل و احتمالا مهمترین دلیل سقوط اشکانیان، بی قانونی و گردنکشی شاهک های محلی و نارضایتی عامه از این وضعیت بود. اردشیر این مشکل را تشخیص داده و راه حلش تقریر قوانین حقوقی و قضایی کشوری بر مبنای فقه زرتشتی بود.

تأثیر اخلاق زرتشتی بر تأسیس فلسفه

اما انقلاب زرتشتی یک جهت جهانی داشت، که به لحاظ ایدئولوژیک بی اندازه مهم است.این موضوع همانا تأثیر زرتشت بر مؤسس واقعی فلسفه یعنی افلاطون است. بسیاری از یونانیان هم عصر افلاطون، وی را تحت تأثیر پیامبر ایرانی می دانستند؛ برخی پا فراتر نهاده او را «مجدد زرتشت» می دانستند. براستی چرا معاصران افلاطون چنین لقبی به وی داده اند؟ انقلاب اخلاقی زرتشت، چه تأثیری بر تأسیس فلسفه نهاده است؟

تأثیر انقلاب اخلاقی زرتشت بر تأسیس فلسفه را می توان از دو جهت دنبال کرد:

یکم: تقویم سوژه

وقتی بنیادهای هستی شناختیک به‌وجهی قومی یا جهانی تغییر می کنند، ابتدا بایست که سوژهای ویژه برای این تغییر بنیادین بر نهاده شود. بدون این سوژه این دگرگونی میسر نیست. ابتدا بایستی ذهن یا سوژه از بنیادهای هستی شناختیک سابقش جدا شود یا این بنیادها را به تعلیق درآورد. همان گونه که قبل از ظهور علم مدرن ابتدا دکارت سوژه مدرن را ساخت. این حرکت در پدیدارشناسی هوسرل اپوخه یا تعلیق استعلایی نام دارد. اپوخه یعنی قرار دادن جهان تاکنونی در پرانتز. یکی از مسأله های لاینحل پدیدارشناسی هوسرل همین چگونگی آگاهی و قصدیت آغاز تعلیق استعلایی و ابزار و روش این فرایند است. شاید اگر هوسرل اندکی از تاریخ اروپامحورش فاصله می گرفت، دلیل تعلیق استعلایی را درک می کرد. دلیل آغاز به تعلیق استعلایی و ابزار آن همانا امر اخلاقی است. این پدیده در یک روند تاریخی رخ می دهد. نوعی «غثیان» از وضعیت موجود پیش زمینه هر تغییر تاریخی بزرگی است. غثیان از آگاهی ناخشنود اخلاقی نشأت می گیرد. این وضعیت ابتدا در ذهن رخ می دهد و باعث تعلیق ارزش های رایج میگردد. بدین ترتیب تعلیق استعلایی باور های سوژه، وهمزمان دوره ای از شکاکیت بنیادین آغاز می گردد. این اتفاقی بود که در یونان باستان باورود سوفسطاییان و شکاکیت آنها نسبت به جهان اسطوره ای آغاز گردید. اخلاق و ارزش های نو پس از این شکاکیت وارد می گردد. در زمان افلاطون این نقش را اخلاقی بازی کرد که برای اولین بار در تاریخ تمدن زرتشت بانی آن بود. افلاطون با ابزار اخلاق زرتشتی سوژه ای جدید را ساخت. به همین خاطر در بین اعضای آکادمی به «مجدد زرتشت» شهره شد. این ارزش های جدید می کنند که از قبل به حالت تعلیق است را دچار یک تغییر نگرش بنیادین می کند. اما درست از همینجا راه افلاطون از زرتشت و یونان از ایران جدا شد. پاسخ هستی- به قول هایدگر- به تعلیق استعلایی یونانی و اخلاق نظری افلاطون لوگوس بود. در صورتی که اخلاق امری زرتشت حکمت یا گنوسرا سرلوحه خویش قرار داد. اکنون جای ادامهی این بحث نیست. اما این نکته را اضافه کنیم که نیچه به همین دلیل پس از بیست و پنج قرن به سراغ نقد اخلاق زرتشتی رفت نه محاوره های افلاطون. ریشه جریان در اخلاق زرتشتی بود. تازمانی که ذهن ها تغییر نکند، جهان تغییر نخواهد کرد. تغییر جهان منوط به تغییر نگرش به جهان یا جهان بینی است و این تغییر نگرش نیز منوط به تغییر ارزشهای ذهن یعنتغییری اخلاقی است.

دوم: تقویم حقیقت

فلسفه به دنبال کشف چیست؟ آیا غیر از این است که به دنبال حقیقت است؟ آیا غیر از این است که گزاره های فلسفی تلاش می کنند معطوف به حقیقت هستند. پرسش دیگر: چرا قهرمانان هومری به دنبال حقیقت نیستند؟ چرا جستجوی حقیقت با تأسیس فلسفه به یک مسأله تبدیل می شود؟ پاسخ این پرسشها را نیز در جایی دیگر جست. تقسیم جهان به خیر و شر، فقط معطوف به باورهای ذهنی نیست. این تقسیم بعدی انتولوژیک دارد. در اخلاق زرتشتی، این جهان است که تقسیم می شود و به انسان دعوت می شود که دستیار اردوگاه نیکی باشد. در عین حال این تقسیم، تقسیم به حقیقت و دروغ نیز می باشد. دیوان مظهر دروغ و درونذی و اهورائیان مظهر خیر و راستی. واژه های دروغ و راستی و بد از کلیدواژه های خود زرتشت اند، بدون هیچ تفسیری. واضح است که تنها با تعبیه این مفصلبندی ایدئولوژیک در هستی یعنی راستی/دروغ است که، اصولا معرفت شناسی هدفمند می گردد. و گرنه معرفت شناسی فلسفی که افلاطون و ارسطو بنا کردند، بدون این مفصلبندی بدل مشود به تئوریا و فرضیات صرف. تئوریا یک رخداد اندیشگانی و اصیل یونانی است. این ذهن یونانی بود که با بازیگوشی خاصش برای اولین بار در تاریخ، به جای اینکه مانند گذشتگان در مورد جهان گزاره های مقدس صادر کند، در مورد جهان فرضیه یا تئوری داد؛ بدون اینکه متهم به کفر و شرک شود. تئوری‌های مشروط جای گزاره های مقدس و نامشروط را گرفت. «جهان از آب ساخته شده» یا «جهان از آتش ساخته شده»، اینها سرآغاز بینش تئوریک نسبت به جهانند. اما بدون مفصلبندی هستی شناختیک زرتشتی یعنی بازتولید ایدئولوژیک جهان در دوگانه حقیقت/دروغ، این تئوری در ذهن باقی خواهد ماند وبه شکاکیت صرف می انجامد و تئوری های انسان معیار شناخت هر چیزی می گردد: پروتوگوراس.

دانشجوی دکترای فلسفه

تمایز بنیادین پدیدارشناسی هایدگر از هوسرل

علی نیکوکار- مفهوم هستی در فلسفه سنتی با تمام فراز و فرودهای خود در یک معنای عام به «مفهومه من اعرف الاشیاء وکنهه فی غایة الخفاء» یعنی هستی از شناخته‌ترین مفاهیم است اما کنه و حقیقت وجود در نهایت خفاء و پوشیدگی، تعریف شده است. به تعبیری دیگر پاسخ به این سوال را که آنچه واقعاً هست چیست؟ افلاطون با دوگانگی محسوس-معقول پاسخ می دهد « ایده ها » ولی ارسطو با پایین آوردن ایده ها در کنه امر محسوس ولی، همچنان در باطن، پاسخ می دهد «جواهر نامحسوس» لذا این دوگانگی حفظ می شود. اما در فلسفه مدرن پس از کانت، این دوگانگی بود-نمود به «ظهور-وجه یا شرط ظهور» تبدیل می شود. تفکر فلسفه ای که سیر از ظاهر به باطن بود، به سیر از ظهور به شرط ظهور متحول می شود. هستی را نباید پوسته ی نازکی از انطباعات یا پرده ای دانست که در پشت آن راز «اشیافی نفسه» ماوی گزیده، دانست. بلکه هر وجه ظهور و پدیداری از شی را، می بایست «به منزله ی خاصی» معرفی کرد. به تعبیری روشن تر پشت پرده ظاهر پدیدارها غیبی نیست، بلکه ضمن آنچه که نشان می دهند وجه یا شرط ظهور خود را هم می گویند. به همین دلیل فلسفه مدرن، همه تحت تاثیر کانت می اندیشند. اینکه پدیدار به منزله ای خود را معنا می بخشد، که هگل آن را در دیالکتیک تاریخ می دید، نقطه عطف فلسفه و آغاز دو جریان تحلیلی بدست فرگه و قاره ای بدست هوسرل می باشد. یعنی چگونگی شکل گیری این معنا_این به منزله ی_این معرفی، تبدیل به مسئله بنیادین فلسفه مدرن تا به امروز شده است. مسیری که بافرگه، ویتگنشتاین و فلسفه های زبانی تحلیلی شکل می گیرد، مسیری که با هوسرل، هایدگر و فلسفه های پدیدارشناسی قاره ای شکل می گیرد.میان راه مابعدالطبیعه و علوم تجربی می باید در جستجوی راه سومی بود، راهی که قبل از استدلال ما را مستقیم در برابر اشیا قرار می دهد. دکارت به دنبال بنیان خلل ناپذیر خویش به « می اندیشم » رسید، و برای تضمین صحت اندیشه به خدا تمسک جست، یعنی به همان بحث های نظری مابعدالطبیعی که بی گمان از سوی هوسرل باید طرد می شد. اما هوسرل «من هستم» نتیجه تفکیک ناپذیری می دانست که، آن را شهود زنده اولیه نامید. هوسرل با همان منطق همیشگی فلسفه، رو به سوی نقطه آغاز قانون شناخت که اصل الاصول می نامد، می کند: «ما می خواهیم به خود اشیا بازگردیم» اما مراد وی این نیست که محدود به انطباعات حسی شویم، تا در شکاکیت نوع هیومی غوطه ور شویم، بلکه اگر این راه درست است، اشیا همیشه با معنی یا ماهیت خویش، برای ما معلوم می شوند. به همین جهت ورای داده های حواس، شهود معنی یا شهود ماهیت وجود خواهد داشت. کانت هم از مقولات محض فاهمه سخن گفت اما یگانه وجه ظهور آنها را مابعدالطبیعی، قلمداد کرد، اما هوسرل پدیدارشناسی را علاوه بر شهود حسی به شهود مقولی هم کشاند. هوسرل شهودهای بی واسطه را همچون کانت محدود به حس نکرد، بلکه از شهودهای مقلی نیز سخن گفت. «شهود» یعنی شیوه ی مشاهده، وقتی ما با اشیا مواجه می شویم علاوه بر شهودهای حسی، یعنی شیوه های مشاهده حسی، مقولاتی را به صورت مستتر، پیشاپیش شهود کرده ایم همچون موجود بودن، واحد بودن، شی بودن، یعنی شیوه های مشاهده مقولی. روشن کردن، شیوه ی مشاهده مقولات که به صورت مستتر در پدیدار است، روش اصلی پدیدارشناسی می باشد. «همواره هستی خود را در هستنده ها نشان می دهد» تفاوتی است که هایدگر میان هستی و هستنده می گذارد. به عبارت دیگر هستنده ها ضمن آنچه که می گویند، همچون رنگ، جنس، ابعاد، «هستی هستنده» را هم، به ما نشان می دهند. شهود مقولی وجه یا شیوه ی ظهور «هستی هستنده» می باشد، که از آن به «داده شده» یاد می کنند. در قالب یک تمثیل وجه ظهور هستی رودخانه، در عالم مدرن متفاوت از وجه ظهورهستی آن در عالم سنت می باشد، یا هوسرل مثال سمفونی نهم را یاد آوری می کند که، حتی اگر انسجام آهنگ ها، ارکستر و شنوندگان معدوم شود، وجه ظهور هستی سمفونی نهم همچنان باقی است. بنابراین تمام جهان واقعی یا ممکن برای معنادار بودن، باید داخل آن شهود مقولات باشند، خارج از آن معنی، هیچ چیز نمی تواند پدید آید، زیرا خود مفهوم پدید آمدن هم، در همین ساخت پیشینی شهود مقولات، امر قابل درک می باشد.

وقتی با شی ای در ساخت پیشینی شهود مقولی مان مواجه می شویم، نخست وضع شی در خارج است که با آگاهی مدرک متفکر منطبق می شود. آیا دو شی وجود دارد: یکی در خارج و دیگری در آگاهی، چگونه ممکن است این دو شی یکی نباشند؟ آیا باید مانند افلاطون شی سومی را تصور کرد، تابدان وسیله بتوان هویت این دوتای دیگر را دریافت؟ اینجاست که خود شی را به دست فراموشی می سپاریم. اگر به حیث التفاتیت هوسرل تمسک جوییم، نه از شی فی نفسه که چیزی از آن نمی دانیم، آغاز خواهیم کرد و نه از شی تصویر شده در آگاهی مدرک متفکر، بلکه از خود شی به عنوان تجربه زنده اولیه،آغاز می کنیم. یعنی آگاهی همواره آگاهی از شی است و شی برای ادراک است، و میان این دو همبستگی و تلازم وجود دارد. آنچه خود را به صورت بداهتی زنده و انکارناپذیر به ذهن عرضه می کند، مقدم بر تبیین های علوم نظری مابعدالطبیعه یا علوم طبیعی می باشد. تجربه اولیه زنده ای که محصول عناصر واقعی است که، ضمن همان شی بدست می آید و عناصر غیرواقعی که از سوی مدرک متفکر بر متعلق تفکر می تابد و این فرایند به تمام جهان تسری پیدا می کند. پدیدارشناسی مطالعه ساختار کیفیت تقوم جهان در ذهن می باشد. پدیدارشناسی توصیف ساده ظواهری که درباره ی معنی بنیادین آن نمی توان چیزی گفت نیست، بل هستی در ضمن پدیدار بدست می آید و مطالعه پدیدار به مطالعه هستی تبدیل می شود. اما چگونه؟ آیا مرتبط ساختن معنی هستی حاصله از حوزه های مختلف شناخت در یک مدرک استعلایی که سرچشمه آن معانی است، کفایت می کند؟ آیا این مدرک هنوز انتزاعی نیست؟ آیا این بنیاد پیشین مطلق که باید آشکار شود، وجود در جهان یا وجود خاص انسانی نیست؟ سوالاتی که هایدگر طرح فلسفی خویش را ضمن آنها پی افکند. مراد فهمیدن بر اساس وجود خاص انسانی هیچون سارتر نیست. بل باید خود همین وجود خاص انسانی را بفهمیم، که او شایسته سوال از هستی در معنای عامش است.آیاهستی شناسی مبنای یک انسان شناسی اگزیستانسیل است؟ آنطور سارتر معتقد است یا برعکس؟ تحلیل اگزیستانسیل فقط وسیله وصول به هستی شناسی و سوال از هستی است، آنطور که هایدگر معتقد است معنا و بنیاد هستی به واقعیتی دیگر، یعنی جهان ماورا که پدیدار جهان از آن سرچشمه می گیرد، برنمی گردد، بل برعکس، معنای هستی خود را در دل ظهور موجود، پنهان می سازد، هستی مورد نظر، شیوه ی دیدن ماست، نه دیدن ما. به عبارت دیگر «معنای» بودن موجود است نه بودن موجود هایدگر معتقد است: رابطه ی ما با هستی اشیا، بر رابطه ای بنیادینی استوار است که ما آن را فراموش کرده ایم، یعنی نحوه ی هستی ما در جهان. اگر پدیدارشناسی روشن ساختن این رابطه اولیه را با هستی، وجهه همت خود قرار دهد، ما بحق می توانیم بگوییم که، پدیدارشناسی علم به «وجود به هو وجود» است. ما سعی می کنیم از موجودات تجربی معلوم، به سوی معنی هستی اروج کنیم.

تمایز انسان از حیوان چیست؟ حیوانات باکمتر درجه ای احساس می کنند، عاطفه دارند، سخن می گویند و حتی خودآگاه و در برخی مواقع خلاق هستند. آنچه هایدگر وجه تمایز حقیقی انسان می داند، «دازاین» وجود خاص انسانی، است. فقط انسان است که از این وجود خاص سوال می کند و اگزیستانس دارد، هستی برای موجودات دیگر فقط هست، اما برای انسان هستی با امکان های مختلفی می تواند، باشد. به تعبیری روشن تر، انسان تنها موجودی است که وجود مقدم بر ماهیتش دارد و با آگاهی، خودگشودگی به سوی جهان است. انسان ماهیت خود را در زمینه ای پیشاپیش بسط می دهد، ذهن در ابتدا گشودگی شی موجود را خلق نمی کند، آنطور که دکارت می گفت: من می اندیشم پس هستم، بل این اندیشه است که بر وجود موجود مبتنی است. لذا وجود خاص انسانی را پیشاپیش، هر فکری که است، آن را جهت می دهد. بنابراین نمی تواند فعل یک مدرک محض باشد، آنطور که کانت و در اوایل هوسرل می گفت، بلکه با ساحت وجود خاص موضوع مدرک، تحقق می یابد. بدین ترتیب وقتی از، هستی وجود آنجایی (دازاین) بحث می کنیم، نه تنها وجود خاص آن، بلکه از وجود به نحو عام بحث می کنیم. پس نمی توان از وجود به نحو عام یا هستی، سوال کرد، مگر آنکه از ساختارهای مخصوص اگزیستانس-وجود خاص انسانی سوال کرد، زیرا در ضمن همین ساختارها و از خلال همان هاست که هستی مورد سوال قرار می گیرد، البته نه در برابر مدرک نظری خنثی همچون دکارت. ساختمان آگاهی و ذهنی انسان جوری است که وقتی متوجه وجود خود می شود، در عین حال جویای وجود به معنای اعم نیز می شود، و به سوی عینیت اعمی که، زیر بنای همه موجودات است، گشوده می شود.

در اینجاست که پدیدارشناسی تغییر جهت می دهد، و دیگر توصیف آنچه پدیدار و در معرض توجه می شود، نیست، بلکه آگاهی به صورت متنی که برای فهمیدن نمودار می شود. وجه تمایز پدیدارشناسی هایدگر از هوسرل در همین نکته نهفته است، که هوسرل در آخرین نوشته هایش تحت تاثیر هایدگر بر همبستگی و تلازم «آگاهی_جهان» تاکید می کند که بهتر است آن را با اصطلاح موجود در جهان بیان کنیم. دیگر زمینه ی مطلق، فاعل مدرک نیست، بلکه خود جهان است، به همان صورتی که ذهن قبل از هر نوع دخالت مفهومی، آن را تجربه می کند. مرلوپنتی در این مورد می گوید: برگشت به خود اشیا، برگشت به این جهان قبل از شناسایی های نظری و تجربی است، که این شناسایی ها، همواره از آن سخن می گویند و هرگونه تعین نظری و علمی در مورد آن، انتزاعی و قائم به غیر است.

پس پدیدارشناسی هایدگری، باید معنای نهفته در متن، اگزیستانس یا وجود خاص انسان را کشف کند، همان معنایی که «معلوم» درست در همان، بروز و ظهور، خود را مکتوم می دارد. شاید در اینجا با روانکاوی، به خصوص ناخودآگاه فرویدی، مشابهتی پیدا کنیم، که آن نیز عبارت است از کشف راز نهایی وجود خاص انسانی، یعنی روشن ساختن داده های بی واسطه حالات روانی، که شناختی از آن معانی، نداریم. اما روانکاوی در پژوهش خود همچون سارتر، توجهی به وجودشناسی ندارد.

جنسِ سوم

حامد روشنی راد-ارسطو معتقد است جدا از بخش خردمند و بیخرد، جزء سومی در نفس هست. این جزء سوم از آنجا که منطقهٔ همپوشانی دو بخش خردمند و بیخرد نفس است و از نوعی ملاقات یا تصادم میان این دو بخش نفس پدیدار میشود، لذا « چنین می نماید که فاقد خرد است و با این همه به یک معنی و به نحوی از انحاء از خرد بهره دارد.» (اخلاق نیکوماخوس. ترجمهٔ لطفی. ص ۴۸) نحوهٔ خردمندیِ این بخش نفس به این صورت است که می تواند فرمانِ بخش خردمندِ نفس که صرفا مدرک کلیات و معقولات است، را بشنود و از طرف دیگر توانایی این را دارد که بر جزء بی خرد نفس که همان غریزهٔ کور است، فرمان براند و بر آن لگام زند. و لذا از اینجاست که افعال و اعمال قوای دانی و بیخرد نفس متصف به نیک و بد می شوند نه اینکه فی نفسه این قوهٔ غرایز و افعالِ جزء بی خرد نفس نیک یا بد باشند. کمی از توضیحات ارسطو در این باره از زبانِ من و به بیان ترجمهٔ لطفی:ارسطو تقسیم بندی اجزای سه گانهٔ نفس را با صورتبندی نسبتا بدیعی انجام می دهد. زیرا در نظر افلاطون نفس انسان دارای سه جزء است: جایگاه جزء عقلانی در «سر» جایگاه جزء ارادی در «سینه» و جایگاه جزء شهوانی است و از این حیث که بیشترین فاصله را با «سر» دارد از کمترین خرد بهره دارد. ارسطو همین تقسیم بندی را تفسیری بدیع کرده و به نحو خاصی توسعه می دهد. « دربارهٔ نفس در نوشته هایی که در بیرون مدرسهٔ ما منتشر شده اند به قدر کافی سخن گفته شده است و ما در اینجا از آنها استفاده می توانیم کرد. گفته اند که جزئی از نفس فاقد خرد است و جزئی خردمند» (همان. ص ۴۷) این احتمالا اشاره ای است به مباحث نفس در افلاطون که در جمهوری مطرح شده و ارسطو با عبارت « ما در اینجا از آنها استفاده می توانیم کرد» به نوعی بر این اقتباس خود از افلاطون یا هر کس دیگری پیش از افلاطون که این تقسیم را مطرح کرده صحه می گذارد. جزء نخست یعنی جزء فاقد خرد همان است که بعدا در سنتهای فلسفی اسلامی «نفس نامیه و غاذیه» نام گرفت.«بخشی از جزء بی خرد نفس در همهٔ موجودات زنده هست و علت رشد و تغذیه است» (همان. ص ۲۷) این بخش در همهٔ موجودات زنده اعم از نبات و حیوان و انسان و جنین هست و آنگونه که ارسطو می گوید مخصوصا در خواب فعال است لذا ربطی به فضیلت نفس ندارد. «این بخش و این توانایی مخصوصا در خواب فعال می شود و کمتر از همهٔ توانایی های دیگر نشان می دهد که آیا یک شخص انسان با ارزشی است یا بی ارزش، و این مثل که می گویند در نصف زندگی میان نیکبختان و بدبختان فرقی نیست از اینجا می آید. و طبیعی هم هست که چنین باشد زیرا که خواب بطالت نفس است از جهت خاصیتی که آدمی با توجه به آن نیک یا بد نامیده می شود.» (همان. ص ۴۷) پس این جزء نفس تنها در خواب فعال است و حرکاتی که در خواب توسط این قوه در نفس جریان می یابد همان است که رویا می نامیم. القصه این جزء نفس به کلی فاقد خرد و عقل است لیکن ارسطو میگوید«اما چنین می نماید که عنصری دیگر در نفس هست که فاقد خرد است و با این همه به یک معنی و به نحوی از انحاء از خرد بهره دارد.» (همان. ص ۴۸) این بخش از نفس که در واقع منطقهٔ همپوشانی دو بخش خردمند و بی خرد نفس است، از اهمیت بسیار برخوردار است و بایدَ مشخص شود به چه معنی فاقدِ عقل و به چه معنی واجد عقل است. ارسطو با عبارت « به یک معنی و به نحوی از انحاء » این دو وجهی بودن را در این بخش از نفس نشان میدهد و در ادامه می کوشد شرح دهد که دقیقا به چه معنا و دقیقا به چه نحوی از انحا این جزء واجد عقل است. خرد در این بخش نفس طبق نظر ارسطو «خرد شنیداری» است. (معادل این مفهوم در کتب پهلوی در اخلاق «گوش سرود خرد» آمده است که بر خلاف «آسان خرد» یا خرد فطری، ضرورتا باید از راه تعلیم و پایدایای شنیداری حاصل شود) یعنی این بخش نفس چنین است که می تواند فرمانِ جزء خردمند محض را بشنود و اطاعت کند «همانگونه که فرزند سخنِ پدر را می شنود و پند او را یا فرمان او را اطاعت می کند.» (همان. ۴۷) پس به این معنی دارای خرد است اما از این حیث که «می تواند» از این فرمان سرپیچی کند فاقد خرد است. (فقدان خرد در اینجا شرط توانایی برای عصیان است) اگر این جزء نیمه خردمند نفس سخن و فرمان جزء خردمند را بشنود و اطاعت کند، آن انسان را پرهیزکار می گوییم، و اگر این جزء نیمه خردمندِ نفس فرمان جزء خردمند را بشنود اما به دلیل سیطرهٔ جزء ناخردمند نتواند فرمانِ جزء خردمند را اطاعت کند می گوییم آن فرد ناپرهیزگار است. اما از این حیث که هر دو دارای جزء خردمند و نیز دارای این جزء نیمه خردمند یا به بیانی دارندهٔ این خرد شنیداری هستند ما این بخش از نفس را در هر دو ایشان می ستاییم چه در پرهیزگار چه در ناپرهیزگار. پس این جزء نفس در هر انسانی نوعی ارزش فی نفسه دارد. (در بارهٔ اهمیت این ارزشِ ذاتی قائل بودن برای جزء نیمه خردمند نفس در دیالکتیک و «مکالمه» مباحث مهمی هست) اعم از اینکه از آن قوهٔ نفس فعالیتی سر زند یا نزنند.«ما در مردمان پرهیزگار و ناپرهیزگار خرد و عنصر خردمند نفس را میستاییم و معتقدیم که این عنصر به ایشان هشدار می دهد و وادارشان می کند که به موضوعات و کارهای بهتری روی آورند؛ اما در وجود هر دوی آنان [یعنی در انسان پرهیزگار و ناپرهیزگار] به حسب طبیعت نیروی دیگری هست که مخالف خرد است و با جزء خردمند نفس می جنگد و در برابر خرد قد برمی افرازد همانگونه که اعضاء فلج بدن وقتی می خواهیم آنها را به طرف راست حرکت دهیم به طرف چپ حرکت می کنند نفس نیز چنین است بدین معنی که کوششهای مردمان ناپرهیزکار در جهت مخالف خرد اثر می بخشد» (همان. ص ۴۸)

درباب این تقسیم سه جزئی و رابطهٔ آن با طبقاتِ سه گانهٔ اجتماعی در افلاطون مسائل بسیاری گفته شده. و مسائل مهم بسیاری هم وجود دارد. (از جمله پژوهشهای تطبیقی ارزشمند در فارسی کتاب معروف فتح الله مجتبایی در این باره است).